

پیشگیری از وقوع ورشکستگی در نظام حقوقی ایران و جایگاه آن در فقه امامیه با نگاهی به حقوق فرانسه

محمد روشن^۱، امین امیر حسینی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۴/۲۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۳/۳۰)

چکیده

یکی از موانع عمده امنیت در فعالیت‌های تجاری موضوع ورشکستگی است که دولت‌ها برای پیشگیری از آن از تمامی ظرفیت‌ها بهره می‌برند و از این طریق نظم اقتصادی در نظام تجاری را حفظ و مانع خروج مبادلات و روابط تجاری، از تعادل می‌شوند. در فقه امامیه نیز نهادهایی همچون صلح چنین کارکردی را دارد که می‌تواند پاسخ مناسبی برای این نیاز باشد و تجلی آن را می‌توان در قانون مدنی ایران در ماده ۷۲۲ یافت. همچنین می‌توان به ظرفیت نهادهایی نظیر وقف و زکات نیز در این زمینه اشاره کرد. در این تحقیق نهاد میانجیگری که در ماده ۳۵ قانون تجارت فرانسه منعکس شده با نهادهای مشابه در فقه مانند صلح و... مورد مقایسه قرار خواهد گرفت تا معلوم شود که آیا نهادهای موجود در حقوق ایران، چنین کارکردی را می‌توانند داشته باشند یا خیر و در صورت منفی بودن پاسخ، با چه تمهیداتی می‌توان به اهداف موردنظر در ماده ۳۵ قانون فرانسه دست‌یافت.

کلید واژه‌ها: پیشگیری، زکات، عقد صلح، نظام حقوقی فرانسه، نهاد میانجی‌گری، ورشکستگی، وقف.

۱. دانشیار گروه مطالعات بنیادین پژوهشگاه خانواده دانشگاه شهید بهشتی (ره)؛ (نویسنده مسؤول)

Email: m-roshan@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی؛
Email: a_amirhoseiny@sbu.ac.ir

مقدمه

تأمین امنیت اقتصادی و جلوگیری از سوءاستفاده و حیف و میل اموال مردم توسط سودجویان، همواره از دغدغه‌های قانون‌گذار بوده است. [۸، ص ۲۳۹] لذا قانون‌گذار، در راستای جلوگیری از خدشه دار شدن امنیت اقتصادی از طریق ورشکستگی، احکام و مقرراتی را در این زمینه وضع کرده است. [۹، ص ۳۲] عنوان ورشکستگی، برای تاجر و اعسار نیز برای غیرتاجر صدق می‌کند. صدور حکم ورشکستگی آثاری دارد و موجب توقف تاجر می‌شود. [۱۱، ص ۷۱، ۱۴، ص ۳۷] لذا باید اذعان داشت که قواعد ورشکستگی در حقوق تجارت، تأثیرات مستقیمی در اقتصاد هر کشور خواهد داشت. [۲۹، ص ۱۱۳] قانون تجارت در ماده ۴۱۲ ورشکستگی را این‌گونه تعریف می‌کند: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود»^۱

براساس ماده ۴۱۲ قانون تجارت کنونی، شرایط تحقق و اعلام ورشکستگی دو چیز است: اول، تاجر بودن شخص یا تجاری بودن شرکت شخصیت حقوقی و دوم، توقف تأدیه وجوهی که بر عهده او است. هر چند عنوان ورشکستگی در منابع فقهی فی‌نفسه تعریف نشده و مورد بحث فقها قرار نگرفته است (بدیهی است این امر به معنای عدم قابلیت فقه در بررسی این وضعیت و تبیین احکام و آثار آن نیست. [۳، ص ۳]) اما تحت عناوین مشابهی همچون اعسار و افلاس، احکام و آثاری برای آن پیش‌بینی کرده است. [۱۰، ص ۳۷] بنابراین حالت «عجز یا ناتوانی در پرداخت» را می‌توان تعریف ورشکستگی از منظر فقه اسلامی دانست.

قانون‌گذار تجارت در سال ۱۳۱۱ ورشکستگی را به‌عنوان تأسیسی متفاوت از افلاس و اعسار تعریف نموده و با الهام از قانون تجارت فرانسه، احکام و آثار متفاوتی برای آن در نظر گرفت. علی‌رغم شباهت‌هایی که بین تأسیس افلاس در فقه و حقوق اسلامی و تأسیس ورشکستگی در حقوق عرفی وجود دارد، مقایسه مقررات دو نظام بیانگر تفاوت‌هایی در شرایط، احکام و آثار این دو تأسیس است.

همچنین پیشگیری از ورشکستگی مجموعه عملیاتی است که یا از وقوع ورشکستگی جلوگیری می‌کند و یا در صورت وقوع ورشکستگی، از آثار منفی آن می‌کاهد. [۲۸، ص ۱۳] اگرچه رویکرد کلی لایحه اخیر قانون تجارت آن بوده است که حتی‌المقدور مقررات ورشکستگی را هم از لحاظ شرایط اعلام ورشکستگی و هم از لحاظ احکام و آثار، با

۱. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱.

موازن فقہی در باب افلاس هماهنگ و نزدیک نماید، ولیکن در انجام این امر خطیر به صورت کامل موفق نبوده و در مقررات پیش نویس یا لایحه ایرادات و اشکالات فقہی قابل توجهی به چشم می خورد که در بررسی تفصیلی بدان پرداخته خواهد شد. آن چه مسلّم است توقف و افلاس در جوهر خود مشترک و هر دو عجز یا ناتوانی در پرداخت هستند. [۱۶، ص ۳۴]

اگرچه ورشکستگی تجار و شرکت های تجاری ارتباط بیشتری با نظم عمومی اقتصادی دارد و مصلحت عمومی حفظ و تداوم بنگاه های اقتصادی در مورد آن لحاظ می شود، این امر باعث نمی شود که آن را از شمول احکام و مقررات فقہی در باب افلاس و تفلیس به نحو موضوعی و تخصصاً خارج دانسته شود. لذا این رویکرد ترجیح داده شد که موضوع ورشکستگی به عنوان یکی از مصادیق افلاس تلقی شود. اما در اصطلاح فقہی، افلاس وضعیت مالی مدیونی است که دیون او بیشتر از مجموع دارایی مثبت (اعم از اعیان، منافع و مطالبات) او است و اصطلاحاً دین او مستغرق شده و از میزان دارایی اش فراتر رفته است. [۱، ص ۳۴]

در مقایسه بین توقف در حقوق عرفی و افلاس در اصطلاح فقہی می توان گفت از لحاظ مصادقی نسبت منطقی ما بین این دو مقوله عموم و خصوص من وجه است و وجه اشتراک این دو، مواردی است که شخص مدیون در تأدیه دیون خود متوقف شده و مجموع دیونش بیشتر از مجموع دارایی او است. این وضعیت، هم مصادق توقف و هم مصادق افلاس است. [۱۷، ص ۴۱] وجه افتراق اول، مواردی است که شخص مدیون، فعلاً در پرداخت دیون خود ناتوان و متوقف شده است؛ اگرچه مجموع دارایی مثبت او در مقابل دیون وی کفایت می کند. این وضعیت در حقوق عرفی توقف تلقی می شود، اما در حقوق اسلامی افلاس در مفهوم مصطلح محسوب نمی شود و تفاوت هایی در این زمینه به چشم می خورد. وجه افتراق دوم، مواردی است که تاجر علی رغم آنکه مجموع دارایی هایش کمتر از مجموع دیون او است، اما به واسطه داشتن اعتبار و دریافت کمک های بلاعوض یا معوض، می تواند دیون سررسید شده خود را بپردازد و از توقف خود جلوگیری کند. [۲۰، ص ۱۵] این وضعیت، مصادق افلاس محسوب می شود؛ اما توقف در تأدیه دیونی که بر عهده تاجر است، رخ نمی دهد. البته مشروط بر آنکه تاجر از روش های غیرقانونی یا غیر عقلایی همانند استقراض ربوی با بهره سنگین یا خرید نسبی های کالا به قیمت گران و فروش نقدی آن به قیمت ارزان استفاده نکند.

در فقه اسلامی با لفظ مفلس از این افراد یاد می‌شود و نامی از ورشکستگی برده نشده است؛ اما باید گفت فقه امامیه پیشتر از ورود در نظام حقوق تجارت بر اساس نظام حقوقی اسلام است هرچند طی گذر زمان مفهوم آن با ورشکستگی مذکور در قانون تجارت، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود؛ اما با وجود تفاوت‌ها می‌توان در بسیاری از موارد لاقفل تدابیر پیشگیرانه نظام فقه امامیه در خصوص مفلس را در خصوص تجار ورشکسته قابل اعمال و تسری دانست که در زیر بدان پرداخته خواهد شد.

یکی از مباحثی که امروزه بسیار مورد توجه نظام‌های حقوقی قرار گرفته است و نیز بسیاری از کشورها درصدد بررسی و ارائه راهکارهایی در این زمینه هستند، پیشگیری از وقوع ورشکستگی است؛ زیرا در جهان امروزی با رشد روزافزون تجارت و گسترش روابط تجاری بین‌المللی در سطح جهان، کشورها درصدد حفظ دو عنصر اساسی در تجارت یعنی سرعت و امنیت هستند تا از این طریق با حمایت از تجارت و رشد و گسترش روزافزون آن در جهت شکوفایی اقتصادی خود گام‌های مؤثری بردارند.

یکی از عمده‌ترین موانع در این مسیر را می‌توان ورشکستگی توسط تجار دانست که بر اعتماد و اطمینان میان تجار و سرمایه‌گذاری‌ها اثر منفی می‌گذارد. در نظام حقوقی اسلام، راهکارهایی برای جلوگیری از وقوع ورشکستگی وجود دارد که لازم است مورد بررسی و توجه قرار گیرد. در این زمینه چند سؤال اساسی به شرح زیر مطرح است:

جهت‌گیری و سیاست‌های کلی قانون‌گذار در نظام حقوقی ایران درباره ورشکستگی به کدام سو است؟ آیا درصدد جلوگیری و فروکاستن از صدور حکم ورشکستگی است یا در این باره موضع خاصی اتخاذ کرده است؟ به علاوه برای این امر و جلوگیری از صدور حکم ورشکستگی چه راهکاری در نظر دارد؟ و در نهایت جایگاه این راهکارها در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران چیست؟ روش این تحقیق، تحلیلی و در جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود.

گفتار نخست: مبانی پیشگیری از ورشکستگی در حقوق اسلام

در آغاز باید به این نکته اشاره شود که در حقوق اسلام تفاوتی بین تاجر و غیر تاجر از لحاظ ورشکستگی وجود ندارد و چنانکه گفته شد در فقه اسلامی در این باب از لفظ افلاس بجای ورشکستگی استفاده می‌شود که در معنای عام کلمه دربرگیرنده تاجر و غیر تاجر است. در فقه اسلامی مفلس (به کسر لام) را کسی گویند که توانایی پرداخت

دیون خود را نداشته باشد و مفلس (به تشدید و فتح لام) را کسی که افلاس وی اثبات شده و از تصرف در اموالش محروم شده، می‌دانند. [۴۱] که برای آن اثبات چهار امر ضروری و لازم است.

۱. اثبات وجود دیون بر ذمه مفلس برای قاضی

۲. کمتر بودن اموال مفلس از دیون وی

۳. حال بودن دیون مفلس [۴۱، ص ۲۸۱-۲۷۹]

۴. درخواست حجر وی از سوی یکی از طلبکاران در دادگاه با ارائه دلایل و مستندات. [۴۰،

ص ۱۸]

در خصوص شرط اول، دو مسئله وجود دارد. مسئله اول، اثبات دیون و مسلم بودن آن‌ها است؛ زیرا صدور حکم منع مداخله شخص در اموال خود، به دلیل تعلق حق غرما نسبت به اموال او است؛ اما اگر دین ثابت شده‌ای وجود نداشته باشد، هر چند شخص بخش قابل توجهی از اموال خود را از دست داده باشد، کماکان اصل بر بقای سلطنت شخص بر اموال خود است.^۱ در حقوق عرفی نیز لزوم دین مسلم در مفهوم توقف نهفته است؛ چراکه توقف از تأدیه دیون مسلم و سررسید شده ملاک عمل است.

شرط دوم: عدم کفایت و قصور دارایی مدیون نسبت به دیون حال او است و باید برای دادگاه محرز شرط دوم: عدم کفایت و قصور دارایی مدیون نسبت به دیون حال او است و باید برای دادگاه محرز بیشتر یا حتی مساوی دیون او باشد، حکم تفلیس و ممنوعیت تصرف مدیون صادر نمی‌شود. [۴۲، ص ۱۱۹]

البته لازم به ذکر است که در اینجا حجر تاجر را باید از سایر حجرها تفکیک نمود و در این راستا لازم است در مجالی دیگر مبانی حجر درباره تاجر ورشکسته بررسی شود. لازم به ذکر است که این حجر در راستای حمایت از حقوق طلبکاران است. [۴، ص ۲۳-۲۱]

در باب شرط سوم باید گفت قصور دارایی‌های تاجر نسبت به دیون حال و سررسید شده‌ی وی معیار صدور حکم حجر است. در حقوق عرفی نیز توقف تاجر یا شرکت تجاری به سبب عدم تأدیه دیون حال و سررسید شده رخ می‌دهد؛ وگرنه نسبت به دیون مؤجلی که هنوز موعد مطالبه آن‌ها فرا نرسیده، توقف از پرداخت فعلاً معنا و مصداق پیدا نمی‌کند.

در نهایت در مورد شرط چهارم باید اذعان نمود اکثریت فقها صدور حکم حجر مدیون را صرفاً به تقاضای بستانکاران دانسته‌اند و صدور حکم حجر به درخواست خود

۱. کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات، ص ۶۴ و ص ۷۷ به بعد.

مدیون و بدون تقاضای غرما را رد کرده اند. به دلیل این که اصل بر اهلیت و عدم حجر است و همچنین اصل تسلیط.

در نظام حقوقی اسلام در نصوص و نیز در سنت و سیره سفارش شده است که حتی المقدور به بدهکار فرصت دهند و طلبکاران به وی کمک نمایند تا بتواند اوضاعش را سروسامان دهد و به علاوه در اقتصاد اسلامی و نظام مالیاتی و زکات نیز به این امر توجه شده و بدان سهمیه‌ای اختصاص داده‌اند. همچنین در فقه نهادهایی حقوقی به این امر اختصاص یافته است که از آن جمله می‌توان به صلح و وقف اشاره کرد که بدان پرداخته خواهد شد. [۳۵، ص ۱۷۵-۵]

مبحث نخست: عقد صلح

یکی از زمینه‌ها و ظرفیت‌های نظام حقوقی اسلام از نظر جلوگیری از ورشکستگی تاجر، عقد صلح است که برای شناخت صلح را در لغت به سازش کردن، آشتی و توافق تعریف نموده‌اند. [۳۰، ص ۲۱۶] هر چند قانون مدنی برای عقد صلح تعریف صریحی ارائه نکرده است ولی اوصاف آن را بیان کرده است. از تتبع در منابع فقهی تعریف صلح را می‌توان بدین نحو خلاصه نمود «عقد شرع لقطع التنازع» [۳۹] و در تعریفی مشابه آن را به «عقد سائع شرع لقطع التجاذب» [۳۸، ص ۳۱۹] همچنین صلح محدوده وسیعی و انواع گوناگونی دارد بنا بر نظر مشهور فقها آن را با اقرار و هم انکار صحیح می‌دانند. [۳۷، ص ۲۱۷]

همچنین ماده ۷۵۲ قانون مدنی در این باره همین نظر را تأیید می‌نماید و مقرر می‌دارد: «صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود».

به تعبیر حقوقدانان این عقد، قالبی است وسیع‌تر از همه ی عقود معین که برای تحقق حاکمیت اراده پدید آمده است [۲۴، ص ۲۱۳] و وجه ممیزه‌ی آن از سایر عقود عنصر تسالم و تساهل است و این امتیاز است که صلح را به صورت عقدی متمایز ظاهر می‌نماید. [۲۶، ص ۳۶۰] البته لازم به ذکر است که صلح در زمره‌ی عقود است و برای همین اگر ابراء یا فسخ قراردادی بخواهد به صورت صلح درآید باید طرفین در این باره تراضی نمایند. [۱۳، ص ۲۷۶]

یکی از انواع صلح که از سابقه‌ای تاریخی برخوردار است صلح فیما بین طلبکار و مدیون است. [۲۲، ص ۲۹] اعم از این که مابین ایشان درباره‌ی میزان طلب یا خصوصیات

دیگر آن تنازع وجود داشته باشد یا صرفاً به‌عنوان توافقی مدنظر باشد. لذا با توجه به شباهت‌ها و اشتراکات فراوان قرارداد ارفاقی با عقد صلح در حقوق کشورهای عربی قرارداد ارفاقی را به عقد صلح ترجمه نموده‌اند.

برخی ماهیت قرارداد ارفاقی را به‌نوعی عقد صلح دانسته‌اند که بین طلبکاران و تاجر ورشکسته در باب تصفیه‌ی دیون بسته می‌شود اما با توجه به احکام و قواعد خاص این قرارداد در حقوق تجارت ایران باید قرارداد ارفاقی را لااقل در نظام حقوقی ایران قراردادی مستقل از عقد صلح دانست.

در قرآن کریم نیز در آیه‌ی شریفه‌ی ۲۸۰ سوره‌ی بقره خداوند متعال می‌فرماید: «وإن كان ذو عسره فنظره الی میسره» که بیانگر نظر شارع قدس بر مهلت دادن به بدهکار معسر است که با توجه به رشد امروزی حقوق تجارت و حتی با در نظر داشتن تفکیکی که میان اعسار و ورشکستگی وجود دارد بازهم به نظر می‌رسد می‌توان این حکم را تنقیح مناط نمود و درباره‌ی تاجر ورشکسته نیز تسری داد. که البته قواعد صلح و حیطة‌ی آن در حدی وسیع است که می‌تواند شامل ابراء یا تقسیط دیون شود. البته لازم به ذکر است که به دلیل لزوم اهلیت در تحقق عقد صلح لازم است تا شخص ورشکسته به دلیل عدم اهلیت از تصرف در اموالش ممنوع گردد.

لذا تاجر ورشکسته نمی‌تواند دعاوی خود را با عقد صلح خاتمه دهد اما موضع بحث ما در اینجا زمانی است که هنوز تاجر در آستانه‌ی ورشکستگی است و هنوز ورشکسته نشده است لذا در اینجا مشکل مزبور جاری نیست و ماده‌ی ۴۲۳ قانون تجارت که بیان می‌دارد: «هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود: (۱) هر صلح محاباتی یا هبه و به‌طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیرمنقول باشد.» در این موضع مصداق ندارد. البته در زمان اعلام ورشکستگی و صدور حکم قانون‌گذار تدابیری اندیشیده است که قرارداد ارفاقی از این نمونه‌ها است و این قرارداد زمانی مصداق دارد که تاجر ورشکسته شده و حکم ورشکستگی وی توسط دادگاه صالح صادر شده است.

مبحث دوم: وقف

وقف یکی از اعمال حقوقی است که به انشای اراده نیاز دارد و وقف را در منابع فقهی این‌گونه تعریف نموده‌اند «وقف عبارت از حبس عین مال و تسبیل منافع آن است.» وقف

از باب عقد یا ایقاع بودن به دو دسته تقسیم می‌شوند که در قانون مدنی وقف عام و خاص را عقد دانسته و آن را مورد پذیرش قرار داده است. با تحقق وقف شخصیت حقوقی جدیدی شکل می‌گیرد که مالک مال موقوفه است.

بر این اساس و ذکر کلیاتی از وقف لازم است آن را از باب ورشکستگی نیز مورد توجه قرار داد از این جهت که می‌توان وقف را در مصارف متعدد مورد استفاده قرار داد یکی از مصارف آن در کمک به بدهکاران است که در فقه امامیه مورد پذیرش قرار گرفته است.

بر این اساس به نظر می‌رسد می‌توان با سوق دادن مسیر وقف در جامعه‌ی امروزی به سمت حمایت از بدهکاران در عین حمایت از تجار و فعالیت‌های سازنده و مفید اقتصادی برای کمک به جامعه می‌توان امنیت اقتصادی جامعه را تضمین نمود و از طرفی با این حمایت سلامت و امنیت اقتصادی جامعه را حفظ نمود و اطمینان لازم برای انجام فعالیت‌های تجاری را فراهم نمود.

البته باید توجه داشت مورد مصرف مال موقوفه در مواردی است که تاجر به تقصیر یا تقلب ورشکسته نشده باشد. برای تحقق این امر و تسبیل منافع وقف حالات مختلفی را می‌توان تصور نمود از مورد وقف در جهت فوق استفاده کرد که بدان اشاره می‌شود.

۱. وقف برای کمک به بدهکاران به نحو کلی

بدین معنا که مال موقوفه برای حمایت از همه ی تجار در هر زمینه‌ای قابلیت مصرف شدن را داشته باشد. و هیچ‌گونه استثنایی ندارد. در این جا هیچ‌گونه تفاوتی میان تاجر و غیر تاجر (معسر) در استفاده و بهره‌مندی از منابع موقوفه نیست.

۲. وقف برای کمک به بدهکاران به نحو خاص

در این موارد واقف جهت مصرف منافع مال موقوفه را تعیین می‌نماید که در این موارد در صورتی که واقف به صراحت تاجر ورشکسته یا در حال ورشکستگی را ذکر نکرده باشد از آن بهره‌ای ندارند.

۳. وقف برای کمک به مدیونین و غیر آنها

در این جا هدف اصلی کمک به افراد مدیون است و لذا مشمول سایر افراد نیز، می‌شود یعنی مثلاً این سبیل را نیز می‌توان در زمره ی افراد منتفع از وقف محسوب داشت.

۴. وقف برای کمک در راه خیر [۳۴، ص ۲۵۵]

اگر هم واقف با بیان الفاظی، فی سبیل الله مال خود را وقف نماید بسیار عام است و لذا در این صورت نیز با توجه به صیغه ی وقف انشا شده از سوی مالک می‌توان تجار در معرض ورشکستگی را نیز مشمول دانسته و از ورشکستگی آن‌ها جلوگیری نمود. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود که این نهاد در قانون تجارت پیش بینی و سازمانی در زیر مجموعه اداره امور ورشکستگی تشکیل شود که به موضوع پیشگیری از ورشکستگی اختصاص یابد. به علاوه، در قانون اوقاف و امور خیریه، آیین‌نامه‌ای به تأسی از مقرر قانونی مندرج در قانون تجارت تصویب شود تا به استناد آن، سازمان مزبور مکلف باشد تا میزان معینی از مبالغ مکتسبه ناشی از موقوفات عامه را که جهت استفاده درآمدهای مال موقوفه در آن تعیین نشده است، به این موضوع اختصاص دهد و در مواردی که واقف در قالب وقف خاص و دقیقاً با هدف حمایت از غارمین، مالی را وقف کرده باشد، درآمدهای موقوفه مزبور، به طور کامل به اداره‌ای که در زیر مجموعه اداره امور ورشکسته تشکیل می‌شود، پرداخت شود تا در این موضوع مورد استفاده قرار گیرد.

مبحث سوم: زکات

در باب زکات باید اذعان داشت که زکات در قانون مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، از هزینه‌های مقبوله است و فرد می‌تواند با ارایه رسید پرداخت آن از مالیات‌های خود بکاهد. لذا جنبه آن به امور عبادی محدود نمی‌شود بدین معنا که نهاد مزبور، به نحو غیرمستقیم در نظام حقوقی ما مطرح است و حتی می‌توان این امر را به صورت مقررهای قانونی به تصویب رسانید بدین معنا که نهادهایی که متولی دریافت زکات هستند، موظف باشند سالانه یک هشتم را به پیشگیری از ورشکستگی اختصاص دهند. [۲۱، ص ۶۳] شارع مقدس در نظام زکات نیز به نجات مدیون از شرایط نامساعد مالی توجه کرده که یکی از موارد استفاده از زکات کمک به بدهکاران است که به توضیح آن پرداخته می‌شود. یکی از منابع کسب درآمد در حکومت اسلامی درآمدهایی است که از راه زکات به دست می‌آید و این زکات تحت شرایط خاص از افراد خاصی دریافت می‌شود و در مواضع معینه باید مصروف شود.

بدهکاران نیز یکی از این اصناف هستند که در فقه امامیه با لفظ غارمین از آن‌ها یاد شده است البته این حکم بدون قید نیست و از جمله شرایط آن عبارت است از این که

بدهی وی از بابت صرف اموال در معصیت نبوده است و تمکن پرداخت نداشته باشد. لذا این شروط کاملاً قابل تطبیق بر عدم قبول قرارداد ارفاقی برای بدهکار متقلب است و نشان می‌دهد در حقوق اسلام تاجر که به علت نقض حکم شارع معسر می‌گردد، مورد حمایت از سوی شارع مقدس نیست. [۳۶، ص ۴۷]

گفتار دوم: مبانی پیشگیری از ورشکستگی در حقوق ایران:

در نظام حقوقی ایران هم تعریفی از مفلس و هم ورشکسته ارائه شده که در ابتدا توجه بدان ضروری می‌نماید. در تعریف مفلس بیان می‌دارند کسی است که دیون وی کمتر از مطالباتش باشد. [۵، ص ۶۷۵]

در تعریف ورشکسته نیز ماده ۴۱۲ قانون تجارت عهده دار تعریف شده است و در باب آثار آن ماده ۴۱۸ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.»

در قانون تجارت فعلی، قرارداد ارفاقی ممکن است متعاقب صدور حکم ورشکستگی و در حین عملیات تصفیه) قبل از فروش و تقسیم اموال بین غرما (منعقد شود. اما در لایحه، قرارداد ارفاقی بعد از صدور رأی توقف و قبل از صدور حکم ورشکستگی منعقد می‌شود و به تعبیر طراحان قانون تجارت، انعقاد و تصدیق آن از صدور حکم ورشکستگی پیش‌گیری می‌کند. اما به هر حال، اثر اصلی قرارداد ارفاقی، هم در قانون فعلی و هم در لایحه امکان برگشت تاجر به تجارت و رفع حجر از او است. [۱۲، ص ۲۳-۲۵]

در قانون تجارت با الهام از تجربه برخی کشورها تشکیلات و سازمانی برای بازسازی بنگاه اقتصادی در حال توقف و جلوگیری از اعلام ورشکستگی آن پیش‌بینی شده بود. اصولاً بازسازی به عنوان مرحله‌ای قبل از اعلام توقف و اعلام ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری دارای وضع مالی نامساعد پیش‌بینی شده بود. برای این امر خطیر یک واحد دولتی به نام اداره بازسازی در نظر گرفته و هدف از آن ادامه فعالیت بنگاه‌های اقتصادی تجاری و تأمین اشتغال بود. در قانون فعلی، همانند قانون تجارت ۱۳۱۱، نهاد بازسازی و امکان احیا بنگاه اقتصادی، صرفاً در ساز و کاری به نام قرارداد ارفاقی خلاصه شده است. [۱۸، ص ۳۲]

قرارداد ارفاقی به ویژه اگر با توافق همه ی بستانکاران و تاجر متوقف منعقد شود، به عنوان یک عقد مشمول عموماً صحت و نفوذ قراردادهاست و فی الجمله مشکل شرعی ندارد. به ویژه آن که در مبحث قبلی بیان شد، روایاتی وجود دارد که دادن مهلت به تاجر که فرصت می‌خواهد به تجارت خود ادامه دهد و مال التجاره خود را خرد خرد بفروشد، مجاز و بلکه لازم است، زیرا در این امر هم مصحلت تاجر و بستانکاران و هم مصالح عمومی حفظ می‌شود. لیکن از جهت آثار قرارداد از دید فقهی تأملاتی موجود است.

در ادامه لازم به ذکر است که بر اساس دیدگاه برخی از حقوقدانان، بر اساس ماده ۳ قانون مسوولیت مدنی ۱۳۴۹ می‌توان برای داد گاه اختیار قایل شد که در صورت تاجر بودن مدیران، دادگاه به عنوان یک کیفر تکمیلی، مدیران شرکت را ورشکسته اعلام کنند. [۲، ص ۲]

به علاوه در نظام حقوقی ایران ظرفیت نهادهایی چون حمایت‌هایی بیمه‌ای [۲۸، ص ۲۲] حمایت‌های دولتی [۳۲، ص ۴۹]، صندوق‌های صنفی و کمک به ورشکسته از طریق طلبکاران (به صورت فردی [۱۹، ص ۹۷] و جمعی [۲۵، ص ۴۱] برای پیشگیری از ورشکستگی، وجود دارد.

در نظام اجتماعی و حقوقی ایران، ستادی به نام ستاد زکات کشور تشکیل شده است و قانونی نیز با عنوان قانون زکات در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است که در ماده ۳ قانون مزبور، موارد مصرف زکات، آن را به نظر ولی فقیه منوط کرده است و در همین راستا، می‌توان بخشی از آن را به استناد آیات قرآن و نظر به اهمیت موضوع ورشکستگی، به موضوع پیشگیری اختصاص داد.

به علاوه در ماده ۴ قانون مزبور مقرر شده است: «دولت مجاز است در جهت اهداف این قانون و بنا بر پیشنهاد کمیته امداد امام خمینی (ره) حداقل معادل ریالی زکات جمع‌آوری شده در هر سال را به علاوه ده درصد (۱۰٪) در بودجه سال بعد پیش بینی نماید و در اختیار کمیته امداد امام خمینی (ره) جهت مصارف اهداف این قانون قرار دهد.

تبصره ۱- کمیته امداد امام خمینی (ره) موظف است معادل ریالی زکات جمع‌آوری شده در هر محل را به همراه کمک های دولت در صورت اذن ولی فقیه به مصرف همان محل برساند.

تبصره ۲- کمیته امداد امام خمینی (ره) با ایجاد بانک اطلاعات ملی زکات، گزارش عملکرد میزان زکوات جمع‌آوری شده در مناطق کشور، کمکهای دولت و اقدامات رفع فقر و عمرانی و خدماتی انجام شده را به صورت دوره‌ای به شورای مرکزی زکات و کمیسیونهای اقتصادی و اجتماعی مجلس شورای اسلامی منعکس نماید.»

بر همین اساس، پیشنهاد می شود در آیین نامه اجرایی قانون مذکور، نحوه و میزان پرداخت مبالغ زکات بری حمایت از غرما و پیشگیری از ابتلای افراد به افلاس، با نظر ولی فقیه، تعیین و مورد تصویب قرار گیرد و در نهایت، سازوکار پرداخت این مبلغ و نهادی نظارتی، برای کنترل نحوه مبالغ مزبور به موضوع پیشگیری از ورشکستگی، تعیین شود.

گفتار سوم: مبانی تحول حقوق ورشکستگی در نظام حقوقی فرانسه

تحولات و بحران‌های اقتصادی و تغییرات در دیدگاه‌ها، موجب تغییری اساسی در نظام حقوقی فرانسه شد.

علت این تحولات را باید در دو مورد خلاصه کرد.

۱. تغییر هدف مقنن در برخورد با مسئله ورشکستگی

یعنی قانون‌گذار فرانسه با هدف برخورد با مسائل ورشکستگی سعی کرد تا با پیشگیری از صدور حکم ورشکستگی امنیت تجارت را تضمین نماید.[۱]

۲. عدم کارایی قرارداد ارفاقی برای رسیدن به هدف مورد نظر قانون‌گذار که به توضیح آن پرداخته می‌شود

مقنن فرانسه با توجه به مشکلات ناشی از ورشکستگی واحدهای تجاری هدف خود را در درجه‌ی نخست نجات واحدهای تجاری قرارداد و در این عرصه توجه ویژه‌ای به واحدهای تولیدی داشت. با وضع قوانین و مقررات آمره در این زمینه طلبکاران را ملزم به ابراء و امهال درباره‌ی مطالبات خود نمود. علت این گرایش نه تنها حل مشکلات و بحران‌های مالی بود بلکه علاوه بر آن مبنا و توجیهی اقتصادی و اجتماعی در آن هویداست.[۲]

توضیح آن که در این دوره استدلال شده که سپردن سرنوشت واحد اقتصادی به دست طلبکارانی است که هر یک هدف خاص خود شرا دنبال می‌نمایند و الزاماً با معیارها و مصالح اقتصادی - اجتماعی سازگاری ندارد. چه بسا برخلاف مصالح عمومی جامعه و برهم زنده‌ی نظم عمومی باشد. البته در وهله‌ی اول سعی شده تا از وقوع ورشکستگی جلوگیری شود.[۳]

دلیل دوم در واقع از علت اول ناشی می‌شود که همانا عدم کارایی قرارداد ارفاقی برای رسیدن به اهداف نهاد تقنینی در نظام حقوقی فرانسه بود. قرارداد ارفاقی با توجه

به ماهیت آن بر پایه ی نظر اکثریت طلبکاران بوده است و مزید بر آن روند انعقاد آن با تصدیق و اجرای آن طولانی به نظر می‌رسد. لذا در قانون تجارت کشور فرانسه در سال ۱۹۸۵ آن را حذف و رویه‌ای جدید را برای نجات واحدهای تجاری تأسیس نمود. و طرح اصلاح قضایی واحدهای تجاری را با نظارت قضایی تهیه و به طلبکاران تحمیل می‌گردد و در واقع منافع عمومی را به منافع غرما ترجیح می‌دهند.

در حقوق ورشکستگی دو دسته منافع وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. منافع شخصی گروه‌های مختلف همانند طلبکار، بدهکار، کارکنان واحدهای تجاری و اقتصادی

۲. منافع کل جامعه که با ادامه ی حیات اقتصادی ارتباط تنگاتنگ دارد در عین حال که برخی طلبکاران به نحو مستقیم معرف منافع عمومی‌اند. مثل مؤسسات عمومی و سازمان‌های دولتی^۱

با توجه به مبانی فوق، فرانسه دچار تحولاتی عمیق شد. منتهی هنوز با گذشت ۱۵ سال نتایج مورد نظر به نحو کامل تأمین نشده و بسیاری از حقوقدانان معتقدند ایراداتی در این قانون وجود دارد.

گفتنی است در برخی سیستم‌های حقوقی همانند قانون تجارت فرانسه دو نوع قرارداد ارفاقی پیش‌بینی شده است که قانون‌گذار می‌تواند متناسب با ساختار حقوقی کشور خودمان از این ابتکار الهام بگیرد. که به پیشنهاد تاجری که وضع مالی او به گونه ای است که خطر توقف و ورشکستگی خود را احساس می‌کند، با جمع بستانکاران قراردادی منعقد می‌شود.

این صلح یا قرارداد ارفاقی به درخواست تاجر از محکمه قبل از توقف یا ظرف ده روز فرصت قانونی اعلام توقف مطرح می‌شود و با دعوت از بستانکاران توسط دادگاه امکان انعقاد این عقد صلح یا قرارداد ارفاقی بررسی می‌شود و در صورت انعقاد قرارداد با شرایطی که در قانون آمده و تصویب دادگاه، آثار ذیل بر آن مترتب است:

۱. عدم اعلام ورشکستگی تاجر و استمرار اداره تجارخانه توسط خود تاجر مدیون

در قانون مدنی فرانسه سعی شده تا جایی که امکان دارد از صدور حکم ورشکستگی خودداری شود و با اخطار دادن و نظارت به تاجر از وقوع ورشکستگی جلوگیری کند.

1. jean pierre, le Gall, Droit cammerical, 1987, paris, p. 149

۲. توقف اجرائیات و احکام در حال اجرا علیه تاجر

در این راستا احکامی که علیه تاجر در حال اجرا است - نه احکامی که ولی هنوز صادر نشده است - متوقف می شود. لذا بر این اساس قضات درصدد حمایت از تاجر برآمده و این احکام را متوقف می نمایند تا از وقفه در ادامه‌ی فعالیت‌های تاجر جلوگیری شود و وی را در جهت انجام اعمالی که در تصفیه‌ی حساب غرما یاری می‌رساند، سوق دهند.

۳. تمدید مهلت دیون و توقف خسارت تأخیر تأدیه

در این زمینه قانون مدنی فرانسه امهال به طلبکار و تاجر را مد نظر قرار داده است و بر این مبنا بدهکاران تحت شرایطی باید به شخص در معرض ورشکستگی مهلت دهند و حتی دادگاه در برخی موارد حکم ورشکستگی صادر نمی کند و به بدهکار در معرض ورشکستگی با حفظ حقوق غارمین مهلت می‌دهد.

بدیهی است تاجر مدیون نیز باید به تعهدات خود مطابق شرایط مقرر در قرارداد

احتیاطی عمل نماید. [۴۳، ص ۵۴]

در ادامه لازم به ذکر است که اگر تاجر یا مدیران شرکت مسبب ورشکستگی شناخته شوند، به جبران ضرر و زیان وارده محکوم می‌شوند و حتی به عنوان مجازاتی تکمیلی، این اجازه به دادگاه داده شده است تا مدیران مسبب ورشکستگی را هر چند تاجر نباشند، ورشکسته اعلام نماید. [۳۱، ص ۵۶]

۴. راهکارهای غیرقضایی

به علاوه راهکارهایی نظیر حل و فصل دوستانه، قرارداد ارفاقی پیشگیرانه و میانجی‌گری را در دستور کار خود دارد. [۴]

۴.۱. حل و فصل دوستانه

در توضیح حل و فصل دوستانه باید اذعان داشت بر اساس این طرح که در قانون سال ۱۹۸۵ فرانسه در نظر گرفته شده است، شرکتی به دلایل قانونی، مالی یا اقتصادی مشکل دارد ولی می‌تواند ظرف مدت کوتاهی بدهی‌های خود را بپردازد، از راه تجدید سازمان اختیاری که همان حل و فصل دوستانه است، اقدام می‌نماید. [۱۵، ص ۱۴۳]

بدین معنا که با حل و فصل دوستانه هم منافع تاجر و شرکت تأمین می‌شود و هم طلبکاران در این زمینه از امنیت بیشتری برخوردار می‌شوند. [۳]

۲.۴. میانجی‌گری ویژه

به علاوه با استفاده از شیوه میانجی‌گری ویژه نیز می‌توان از بروز ورشکستگی پیشگیری نمود. بر اساس این روش که آیین برون دادگاهی و غیر دادگستری محسوب می‌شود، نماینده قانونی شرکت می‌تواند از دادگاه تجاری درخواست کند تا یک میانجی مخصوص انتخاب کند تا وی به اوضاع و احوال مالی و اقتصادی بنگاه رسیدگی نماید و معمولاً این درخواست به عنوان شروع حل و فصل دوستانه تلقی می‌شود. [۶]

۳.۴. قرارداد ارفاقی پیشگیرانه

بر این اساس طبق قرارداد مزبور، پیش از صدور حکم ورشکستگی تاجر، بر اساس قانون، می‌تواند قرارداد ارفاقی منعقد نمایند و لذا این امر برای تاجر بسیار مطلوب است؛ زیرا آثار و پیامدهای منفی ورشکستگی در این شرایط بر وی بار نمی‌شود و به علاوه موجب نجات وی از توقف در دیون و دارایی‌هایش می‌شود و به علاوه برای طلبکاران نیز مطلوب است؛ زیرا نسبت به قرارداد ارفاقی بعد از صدور حکم ورشکستگی، با سرعت و سهولت بیشتری به طلب و خواسته خود دست می‌یابند. [۵]

نتیجه

با توجه به پیشگیری از ورشکستگی می‌توان به حفظ نظم اقتصادی در نظام تجاری کمک کرد و مانع خروج مبادلات و روابط تجاری، از تعادل شد. نهادهایی موجود در فقه اسلامی همچون عقد صلح، وقف و زکات و کارکردها و مصارف و جهات آن‌ها بیانگر نقش کلیدی و راهبردی این نهادها در راستای جلوگیری از وقوع ورشکستگی است. بر این اساس فقه امامیه با استفاده از نهادهایی، درصد جلوگیری و فروکاستن از صدور حکم ورشکستگی است که می‌تواند مبنایی برای اصلاح قوانین و مقررات کشور شود.

بر همین اساس به نظر می‌رسد می‌توان از شیوه‌های حل و فصل دوستانه، قرارداد ارفاقی پیشگیرانه و میانجی‌گری بهره برد و از پیامدهای منفی و سنگین ورشکستگی کاست. همچنین لازم است در فصل ورشکستگی قانون تجارت، با پیش‌بینی موادی به این موضوع توجه شود و نهادهای مورد تأیید فقه امامیه در باب پیشگیری از ورشکستگی، در قانون تجارت درج شود. بر همین اساس، این موضوع در قالب آیین‌نامه‌ای، به نهادهایی نظیر ستاد زکات کشور، سازمان اوقاف و امور خیریه و... ابلاغ شود تا ضمن تأسیس اداره امور تصفیه ورشکستگان، نسبت به تأدیه بخش معینی از مبالغ مکتسبه از زکات، وقف و... با هدف پیشگیری از ورشکستگی اقدام نمایند.

همچنین در قانون زکات و به تبع آن در آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور، موضوع پیشگیری از ورشکستگی مطرح و با نظر ولی فقیه، مبلغ و سهم معینی از مبالغ مکتسبه ناشی از زکات، برای پیشگیری از ورشکستگی و افلاس، هزینه شود.

منابع

- [۱]. اسکینی، ربیعا؛ (۱۳۸۹). حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، چ ۱۷، تهران، نشر سمت، ص ۳۴.
- [۲]. ایزانلو، محسن؛ جباری‌زاده، روزبه؛ (۱۳۹۰). «مسئولیت مدنی ورشکستگی». مجله حقوق تطبیقی، دوره ۲، ش ۱، ص ۲.
- [۳]. آیتی، سیدمحمدرضا؛ زرگوش نسب، عبدالجبار؛ (۱۳۹۰). «نقد و بررسی دلایل و آرای فقها پیرامون زندانی کردن بدهکار معسر». فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، س ۷، ش ۲۷، ص ۹.
- [۴]. پورسید، بهزاد؛ (۱۳۹۲). جزوه درسی حقوق تجارت ۴، ورشکستگی، تهران، دانشگاه امام صادق ع، صص ۲۱-۲۳.
- [۵]. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ (؟). ترمینولوژی حقوق، تهران، چ ۲، نشر گنج دانش، ص ۶۷۵.
- [۶]. جنیدی، لعیا؛ (۱۳۹۱). تقریرات درس حقوق داورى تجارى بین‌المللى، مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۳۴.
- [۷]. خادم رضوی، قاسم؛ (۱۳۹۳). تقریرات درس حقوق تجارت ۴، ورشکستگی، مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، تهران، دانشکده معارف اسلامی و حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع).
- [۸]. رحمتی، محمد؛ میری، ایوب، فرحزادی، علی‌اکبر؛ (۱۳۹۲). «نقد رویه قضایی در بررسی دعوای اعسار». مجله حقوق خصوصی دانشگاه تهران، پردیس فارابی، دوره ۱۰، ش ۲، زمستان ص ۲۳۹.
- [۹]. روشن، محمد؛ (۱۳۹۲). «تأثیر ورشکستگی و اعسار زوج بر مطالبات زوجه». با همکاری حسن محمدی رمقانی؛ فصلنامه خانواده‌پژوهی دانشگاه شهید بهشتی ش ۳۳، بهار ۱۳۹۲، ص ۳۲.
- [۱۰]. _____ (۱۳۸۷). بررسی فقهی و حقوقی اعسار، افلاس و ورشکستگی، چاپ دوم، انتشارات فردوسی، ص ۳۷.
- [۱۱]. روشن، محمد؛ مظفری، مصطفی؛ (۱۳۸۹). «بررسی آثار صدور حکم ورشکستگی و رفع آن». فصلنامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، ش ۱۰۱، بهار ۱۳۸۹، ص ۷۱.
- [۱۲]. ستوده تهرانی، حسن؛ (۱۳۷۱). حقوق تجارت، ورشکستگی، چ ۳، ج ۴، تهران، نشر دادگستر، صص ۲۳-۲۵.
- [۱۳]. شهیدی، مهدی؛ (۱۳۸۷). حقوق مدنی ۶ عقود معین، چ ۹، تهران، نشر بنیاد علمی فرهنگی مجد، ص ۷۶.
- [۱۴]. صفایی، سیدحسین؛ قاسم‌زاده، سیدمرتضی؛ (۱۳۷۶). اشخاص و محجورین، حقوق مدنی، چ ۲، تهران، نشر سمت، ص ۳۷.

- [۱۵]. صقری، محمد؛ (۱۳۸۵). *سیاست‌ها و راهکارهایی لایحه راجع به بازسازی و ورشکستگی*، معرفی لایحه تجارت و نوآوری‌های آن، (مقالات همایش به همراه متن لایحه)، تهران، ص ۱۶۹.
- [۱۶]. عالی‌پناه، دکتر علیرضا؛ (۱۳۹۱). *جزوه در سی حقوق تجارت ۴*، ورشکستگی، تهران، دانشگاه امام صادق ع، ص ۳۴.
- [۱۷]. _____ (۱۳۸۷). *ورشکستگی در حقوق ایران و مصر با نگاهی به فقه امامیه*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، تهران، دانشگاه امام صادق ع، ۴۱.
- [۱۸]. _____ (۱۳۹۱). *تقریرات درس حقوق تجارت ۴*، تهران، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق ع، ص ۳۲.
- [۱۹]. عباس‌زادگان، محمد؛ (۱۳۷۹). *مبانی اساسی در سازماندهی و رهبری*، چ ۲، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ص ۹۷.
- [۲۰]. عرفانی، محمود؛ (۱۳۸۱). «ورشکستگی در حقوق تجارت بین‌الملل». *مجله حقوقی بین‌المللی*، س ۱۰، ش ۲۰، ص ۱۵.
- [۲۱]. قدک، عبدالرسول؛ (۱۳۹۲). *تقریرات درس حقوق تجارت ۴*، ورشکستگی، دوره کارشناسی حقوق، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (ره)، ص ۸۳.
- [۲۲]. قربانپور، امیرمهدی؛ (۱۳۹۲). *جزوه درسی حقوق تجارت ۴*، ورشکستگی، دانشگاه امام صادق ع، تهران، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، صص ۳۴-۲۹.
- [۲۳]. کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۷۳). *نظریه عمومی تعهدات*، چ ۳، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
- [۲۴]. _____ (۱۳۸۳). *عقود معین*، چ ۱۲، ج ۱، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ص ۲۱۳.
- [۲۵]. _____ (۱۳۸۸). *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۴۱.
- [۲۶]. _____ (۱۳۸۸). *قواعد عمومی قراردادها*، چ ۱۳، تهران، نشر کتابخانه گنج دانش ص ۳۶۰.
- [۲۷]. کاویانی، کورش (۱۳۹۱). *حقوق تجارت ۴*، حقوق ورشکستگی، چ ۳، تهران، نشر میزان.
- [۲۸]. _____ (۱۳۹۰). *جزوه درسی حقوق تجار ۴*، ورشکستگی، ۱۳۹۰، تهران، دوره کارشناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۱۳.
- [۲۹]. محمدی، سام؛ کدیور، حسام؛ (۱۳۹۰). «*ابهام در ورشکستگی در جستجوی دیدگاه مناسب*» *دوفصلنامه حقوق اقتصادی*، س ۲۰، ش ۳، بهار و تابستان، ص ۱۱۳.
- [۳۰]. معین، دکتر محمد؛ (?). *فرهنگ زبان فارسی*، چ ۱، ج ۲، نشر انتشارات دکتر معین، ص ۲۱۶.
- [۳۱]. نوری یوشانلوئی، جعفر؛ خسروانی، عرفان؛ (۱۳۹۴). «*پیشگیری از ورشکستگی شرکت‌ها در حقوق تجارت بین‌الملل*». *پژوهش‌های بازرگانی*، ۷۴، بهار، ص ۵۶.
- [۳۲]. _____ (۱۳۹۱-۱۳۹۰). *تقریرات درس حقوق اقتصادی*، دوره کارشناسی ارشد حقوق تجاری - اقتصادی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۴۹.
- [۳۳]. _____ (۱۳۹۱-۱۳۹۲). *جزوه درسی حقوق مسولیت مدنی تجارت*، دوره کارشناسی ارشد حقوق تجاری - اقتصادی پردیس البرز.

- [٣٤]. دياب حضر، سعيد؛ (١٩٩٧). رسايل الوافيه فى الافلاس القانون الوضعى و فقه الشريعه الاسلاميه، بيروت، جروس برس، ص ٢٥٥.
- [٣٥]. شهيد ثانى، زين الدين العاملى (١٣٧١). الروضه البهيه فى شرح اللمعه الدمشقيه، ج ٦، ج ٤، نشر دارالكتب الاسلاميه، صص ١٧٥-٥.
- [٣٦]. _____ (؟). الروضه البهيه فى شرح اللمعه الدمشقيه، ج ٢، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، ص ٤٧.
- [٣٧]. _____ (؟). الروضه البهيه فى الشرح اللمعه الدمشقيه، ج ٤، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، صص ١٧٣-٥.
- [٣٨]. علامه حلى، (١٩٩٠). قواعد الاحكام، ج ١٩، نشر دارالكتب الاسلاميه، بحث شقاق، سلسه الينايع، ص ٢١٧.
- [٣٩]. مقدس اردبيلي، حسن بن مرتضى؛ (١٣٨٢). شرح الارشاد، ج ٢، قم، نشر جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ص ٣١٩.
- [٤٠]. الموسوى الخميني، روح الله؛ (١٤٠٩). تحرير الوسيله، ج ٣، ج ٢، نشر دار العلم، ص ١٨.
- [٤١]. نجفى، شيخ محمدحسن؛ (؟). جواهر الكلام فى شرح الشرايع الاسلام، ج ٢٥، بيروت، بيروت، دارالاحياء التراث العربى، صص ٢٧٩-٢٧٨.
- [٤٢]. _____ ؛ (١٤١٢). جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، ج ٢٥، بيروت، نشر مؤسسه الرضى العالميه، ١١٩.
- [٤٣]. هانى محمد دويدار؛ (١٩٨٩). القانون التجارى اللبنانى، ج ٢، بيروت، مؤسسه القانون و التجامع، ص ٥٤.
- [44]. Bebchuk, Lucian Arye and Guzman, Andrew T. (1999). *An Economic Analysis of Transnational Bankruptcies*. Journal of Law and Economics, Vol.
- [45]. jean pierre, le Gall, Droit cammerical, 1987, paris, p.14.
- [46]. Alwang, Melissa K.S. (1996). Note, Steering the Most Appropriate Course Between Admiralty and Insolvency: Why an International Insolvency Treaty Should Recognize the Primacy of Admiralty Law over Maritime Assets, 37.
- [47]. Berends, Andre J. (1998). *The UNCITRAL Model Law on Cross-Border Insolvency: A Comprehensive Overview*. Tulane Journal of International and Comparative Law, Vol. 6.
- [48]. Feranken, Sefa M. (2005). Three Principles of Transnational Corporate Bankruptcy Law: A Review. European Law Journal, Vol. 11, No. 2.
- [49]. Gilreath, Cameron M. (2000). Overveiw and Analysis of How the United Nations Model Law on Insolvency Would Affect United States Cooperations *Doing Business Abroad*. Bankruptcy Developments Journal, Vol. 16.